

توالی بندهای قیدی مرکزی در جمله‌های پیچیده زبان فارسی

محبوبه نادری^۱

دکترای زبان‌شناسی

محمد دبیرمقدم^۲

دانشگاه علامه طباطبائی

مصطفی عاصی^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۶

چکیده

در این مقاله، به ساختار جملات پیچیده در زبان فارسی می‌پردازیم. جملاتی که از یک بند اصلی و یک یا چند بند پیرو تشکیل شده‌اند. در این جملات به دنبال آن هستیم تا ترتیب چینش بندهای قیدی را نسبت به بند اصلی بررسی کنیم و در نهایت ترتیبی را در وضعیت بی‌نشان ارائه کنیم. بندهای قیدی به دو نوع مرکزی و حاشیه‌ای تقسیم می‌شوند اما در این مقاله ترتیب بندهای مرکزی در سه وضعیت قبل از بند اصلی، بعد از بند اصلی و بی‌نشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. زمانی که بندها قبل از بند اصلی قرار می‌گیرند، ترتیبشان بند علت < بند هدف < بند زمان/ بند شرط < بند اصلی و زمانی که بعد از بند اصلی قرار می‌گیرند ترتیبشان بند اصلی < بند زمان/ بند شرط < بند هدف < بند علت است. نتایج نشان داد که ترتیب خطی بندهای قیدی مرکزی را می‌توان در حالت بی‌نشان به صورت بند زمان/ بند شرط < بند اصلی < بند هدف < بند علت در نظر گرفت. همچنین، برای مشخص کردن جایگاه بی‌نشان بندهای قیدی مرکزی در چارچوب کمینه‌گرایی می‌توان از نقشه‌نگاری گروه‌های وصفی و فرافکن‌های نقشی در حاشیه چپ جمله استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: جمله پیچیده، بند غیرموضوعی، بند پیرو، بند قیدی مرکزی، ترتیب خطی بندهای قیدی مرکزی، کمینه‌گرایی.

1. mahboobehnaderii@yahoo.com

2. mdabirmoghaddam@gmail.com

3. m_s_assi@ihcs.ac.ir

۱- مقدمه

به طور کلی بر روی بندهای غیرموضوعی^۱ مخصوصاً بندهای قیدی^۲ مطالعات چندانی صورت نگرفته است. در این مقاله بر آن هستیم تا با بررسی بندهای مختلف تشکیل‌دهنده یک جمله، به ترتیب قرارگرفتنشان در کنار هم دست یابیم. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه جملات پیچیده‌ای است که بندهای پیروی^۳ تشکیل‌دهنده آن از نوع بندهای قیدی مرکزی^۴ باشند. بندهای قیدی مرکزی، گزاره‌ای را توصیف می‌کنند که با آن در ارتباط هستند و یک رویداد^۵ را بیان می‌کند (هگمن، ۲۰۰۴). بندهای قیدی مرکزی عبارت‌اند از بند شرط^۶، بند علت^۷، بند زمان^۸ و بند هدف^۹ و المالا^{۱۱} (۲۰۱۱) به پیروی از هگمن (۲۰۰۴) به دو نوع بند قیدی قائل است: بندهای قیدی مرکزی و بندهای قیدی حاشیه‌ای^{۱۲}. بندهای قیدی مرکزی، گزاره‌ای را توصیف می‌کنند که با آن در ارتباط هستند و عملکرد معنایی آن‌ها سازماندهی رویداد درون بند اصلی است. بندهای قیدی حاشیه‌ای برای گزاره درون بند اصلی پس‌زمینه گفتمانی^{۱۳} فراهم می‌کنند و بخش گفتمانی را می‌سازند (هگمن، ۲۰۰۴: ۶۱). و المالا (۲۰۱۱) تنها به بررسی ترتیب بندهای قیدی مرکزی نسبت به یکدیگر می‌پردازد. در این پژوهش، ابتدا به ساختار جمله و اجزای تشکیل‌دهنده آن می‌پردازیم؛ سپس بندهای پیروی قیدی مرکزی را معرفی می‌کنیم و تمایل وقوعشان را نسبت به بند اصلی در نظر می‌گیریم. و المالا (۲۰۱۱) به توالی این بندها در زبان انگلیسی می‌پردازد که با زبان فارسی مطابقت نمی‌کند و ترتیب قرارگرفتن این بندها در زبان فارسی با زبان انگلیسی متفاوت است. و المالا (۲۰۱۱) دو الگوی مطرح‌شده را بررسی کرده است اما تفاوت اصلی مقاله پیش رو و پژوهش و المالا در این است که در نهایت، الگوی سومی هم ارائه می‌شود که بیشتر و بهتر نحو و چینش زبان فارسی را توصیف می‌کند و با ترتیب خطی قرارگرفتن عناصر و سازه‌های زبانی در این زبان سازگاری دارد.

1. on-argument Clause
2. adverbial clause
3. subordinate clause
4. central adverbial clause
5. event
6. L. Haegeman
7. conditional clause

8. causal clause
9. temporal clause
10. purpose clause
11. V. Valmala
12. peripheral adverbial clause
13. discourse background

تا کنون، دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی از جمله، شفایی (۱۳۶۲)، البرزی‌ورکی (۱۳۷۹)، آهنگر (۱۳۷۹)، غلامعلی‌زاده (۱۳۸۶)، فرشیدورد (۱۳۸۸)، آقایی (۲۰۰۶) و زبان‌شناسان خارجی مانند دیسل (۲۰۰۵)، هسپلمت^۱ (۲۰۰۷)، ولوپیلای (۲۰۱۳)، کلیمووا (۲۰۱۴) و دمیرزن (۲۰۱۵) اصطلاحات و تعریف‌های مختلفی از جمله و انواع بندها ارائه کرده‌اند. مرعی (۱۹۷۰)، معین‌زاده (۱۳۸۴)، کهنمویی‌پور (۲۰۰۱)، آقایی (۲۰۰۶)، درزی و انوشه (۱۳۸۹) درباره جایگاه بند متممی در زبان فارسی سخن به‌میان آورده‌اند. شفایی (۱۳۶۲)، آهنگر (۱۳۷۹)، غلامعلی‌زاده (۱۳۸۶)، ارژنگ (۱۳۸۷)، کریمی (۱۹۸۹)، راسخ‌مهند، عزیززاده صحرايي، ایزدی‌فر و قیاسوند (۱۳۹۱)، پاک‌نهاد (۱۳۹۲)، غفاری، نعمت‌زاده، روشن، و غیاثیان (۱۳۹۲)، محمودی (۱۳۹۴)، کریمی (۲۰۰۱)، آقایی (۲۰۰۶)، و همچنین فاکس^۲ و نیسن‌باوم^۳ (۱۹۹۹)، گیون^۴ (۲۰۰۱)، کروگر^۵ (۲۰۰۵)، و بالتین^۶ (۲۰۰۶) درباره ساخت موصولی اظهار نظر کرده و بعضی از این افراد تقسیم‌بندی‌هایی از انواع بند موصولی ارائه داده و درباره جایگاه این بند بحث کرده‌اند. پژوهشگران زیادی روی بندهای قیدی کار کرده‌اند و درباره جایگاهشان نسبت به بند اصلی و انواعشان و همین‌طور ساختارشان بحث کرده و نظر داده‌اند. از جمله این افراد می‌توان البرزی‌ورکی (۱۳۷۹)، نادری (۱۳۹۲)، کبیری (۱۳۹۲)، نادری و درزی (۱۳۹۳)، کریمی (۲۰۰۵)، و همچنین گرینبرگ^۷ (۱۹۶۳)، گرین^۸ (۱۹۷۶)، چیف^۹ (۱۹۸۴)، کامری^{۱۰} (۱۹۸۶)، متیسن و تامپسون (۱۹۸۸)، ایاتریدو^{۱۱} (۱۹۹۱)، جانسون^{۱۲} (۱۹۹۱)، فورد^{۱۳} (۱۹۹۳)، ریتزی^{۱۴} (۱۹۹۷)، بایر^{۱۵} (۲۰۰۱)، کریستوفرو^{۱۶} (۲۰۰۳)، اجر^{۱۷} (۲۰۰۴)، هگمن (۲۰۰۷)، هورنشتین^{۱۸}، نانزو^{۱۹} گرامن^{۲۰} (۲۰۰۵)، بات^{۲۱} و پانچوا^{۲۲} (۲۰۰۶)، فیورنتینو^{۲۳} (۲۰۰۸)، برگونوو^{۲۴} و والمالا (۲۰۰۹)، و شلونسکی^{۲۵} و سوئر^{۲۶} (۲۰۱۱) را نام برد.

1. M. Haspelmath
2. D. Fox
3. J. Nissenbaum
4. T. Givon
5. P. R. Kroeger
6. M. Baltin
7. J. M. Greenberg
8. G. M. Green
9. W. L. Chafe
10. B. Comrie
11. S. Iatridou
12. K. Johnson
13. C. E. Ford

14. L. Rizzi
15. J. Bayer
16. S. Cristofaro
17. D. Adger
18. N. Hornstein
19. J. Nunes
20. K. K. Grohmann
21. R. Bhatt
22. R. Pancheva
23. G. Fiorentino
24. C. Borgonovo
25. U. Shlonsky
26. G. Soare

۲- چارچوب نظری

جمله بزرگ‌ترین واحدی است که در تحلیل‌های نحوی به‌کار گرفته می‌شود. اجزای تشکیل‌دهنده جمله‌ها گروه‌ها هستند که هریک در جمله نقشی را ایفا می‌کنند. بعد از جمله، بند بزرگ‌ترین واحد در تحلیل‌های نحوی به‌حساب می‌آید. اجزای اصلی تشکیل‌دهنده بندها و جمله‌ها یکی هستند اما جمله‌ها می‌توانند از کنار هم قرارگرفتن چندین بند به‌وجود آیند اما برعکس آن صادق نیست.

۱- [آرش شمع‌ها را فوت کرد].^۱

۲- [اگر من به خانه دیر برسم] [مریم با من حرف نمی‌زند] [چون او را تنها گذاشتم].

جمله (۱) جمله‌ای است که تنها از یک بند ساخته شده است. اما جمله (۲) از سه بند تشکیل شده است.

جمله‌های زبان فارسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: جمله‌های ساده و جمله‌های غیرساده. جمله‌های ساده از یک و جمله‌های غیرساده از بیش از یک بند ساخته شده‌اند. ساختار جمله‌های غیرساده، براساس آنچه در کتاب‌های دستور آمده است، به سه دسته تقسیم می‌شوند: جمله مرکب^۲، جمله پیچیده^۳ و جمله پیچیده مرکب^۴. کلیمووا^۵ (۲۰۱۴) و دمیرزن^۶ (۲۰۱۵) این دسته‌بندی را برای جمله‌ها در نظر می‌گیرند و این جملات را با دو اصطلاح بند وابسته^۷ و مستقل^۸ تعریف می‌کنند. جمله مرکب جمله‌ای است که حداقل از دو بند مستقل یا اصلی تشکیل شده باشد که درواقع کل جمله همان ساختی را تشکیل می‌دهد که به آن ساخت هم‌پایه^۹ گفته می‌شود و جمله پیچیده جمله‌ای است که از یک بند مستقل یا اصلی و حداقل از یک بند وابسته ساخته شده باشد که به کل جمله تشکیل‌شده ساخت ناهم‌پایه^{۱۰} می‌گوییم و جمله پیچیده مرکب جمله‌ای است که حداقل دو بند مستقل یا اصلی و حداقل یک بند وابسته

۱. از آنجا که مثال‌ها از پیکره گرفته شده‌اند، برخی از آن‌ها به زبان معیار و برخی به زبان محاوره‌ای هستند.

2. compound sentence

3. complex sentence

4. compound-complex sentence

5. B. F. Klimova

6. M. Demirezen

7. dependent clause

8. independent clause

9. coordination

10. subordination

داشته باشد و در واقع ترکیبی از جمله مرکب ساخت هم‌پایه و جمله پیچیده ساخت ناهم‌پایه است. بندهای مستقل همان بند اصلی و بندهای وابسته نیز همان بندهای پیرو به‌شمار می‌آیند. دیسل^۱ (۲۰۰۵) هم اعتقاد دارد ویژگی پردازشی جملات پیچیده با جایگاه بندهای پیروشان تعیین می‌شود. این بندها می‌توانند در دو جایگاه موضوع^۲ و غیرموضوع^۳ حاضر شوند و در این دو جایگاه نقش‌های نحوی همچون فاعل، مفعول، قید و صفت را در جمله برعهده بگیرند.

به پیروی از ولوپیلای^۴ (۲۰۱۳) سه نوع بند پیرو را معرفی می‌کنیم: (۱) بندهای متممی، بندهای پیروی که برای بند اصلی‌شان به‌صورت موضوع هستند؛ (۲) بندهای موصولی^۵، بندهای پیروی که توصیف‌گر یک گروه اسمی هستند؛ (۳) بندهای قیدی، بندهای پیروی که برای بند اصلی‌شان به‌صورت افزوده هستند. بندهای نوع اول را بندهای موضوعی و بندهای نوع دوم و سوم را بندهای غیرموضوعی می‌نامیم. بندهای پیرو می‌توانند براساس جایگاهشان نسبت به بند اصلی تقسیم‌بندی شوند، یعنی قبل، بعد و میان بند اصلی قرار بگیرند که به ترتیب، به آنها بندهای پیرو آغازی (۳)، بندهای پیرو پایانی (۴) و بندهای پیرو میانی (۵) گفته می‌شود.

۳- [چون بارش برف شدید بود]، آموزش و پرورش مدرسه‌ها را تعطیل کرد.

۴- او به بازار رفت [تا برای من پیراهنی بخرد].

۵- ما [برای اینکه بتوانیم آلمان را در فوتبال شکست دهیم] باید یک مربی خوب داشته باشیم.

اجزای اصلی تشکیل‌دهنده جمله‌ها و بندها را فاعل (و مفعول) و فعل تشکیل می‌دهند که براساس آنها می‌توان زبان‌ها را به رده‌های مختلفی تقسیم کرد. برای مثال، زبان انگلیسی دارای ترتیب فاعل-فعل-مفعول است یا زبان ژاپنی دارای ترتیب فاعل-مفعول-فعل است. زبان فارسی معیار در سبک نوشتاری رسمی دارای ترتیب خطی فاعل-مفعول-فعل^۶ است اما در گفتار، عناصر زبانی می‌توانند درون جمله جای خود را آزادانه تغییر دهند. سه دیدگاه متفاوت نسبت به ترتیب خطی عناصر در جملات زبان فارسی وجود دارد. دیدگاه اول اعتقاد دارد ترتیب خطی

1. H. Diessel

2. argument

3. non-argument

4. V. Velupillai

5. Relative clause

6. subject-object-verb (SOV)

عناصر در زبان فارسی فاعل-فعل-مفعول^۱ است که زبان‌شناسانی مانند مرعشی (۱۹۷۰)، معین‌زاده (۱۳۸۴) کهنمویی‌پور (۲۰۰۱) و غیره مطرح کرده‌اند و دیدگاه دوم که ترتیب خطی فاعل-مفعول-فعل است و با سبک نوشتاری زبان فارسی مطابقت دارد را افرادی مانند طبائیان (۱۹۷۴)، کریمی (۱۹۸۹)، درزی (۱۹۹۶) و چند تن دیگر از زبان‌شناسان مطرح می‌کنند. این افراد در مورد جملات مرکب معتقدند که بند متممی^۲ بعد از فعل قرار می‌گیرد. رویکرد سومی به ترتیب خطی زبان فارسی وجود دارد که دبیرمقدم (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی مطرح کرده است. او معتقد است که زبان فارسی در مرحله تغییر رده است و با سرعتی آهسته به سمت زبان‌های دارای ترتیب فاعل-فعل-مفعول در حرکت است. این موضوع خود گواهی است بر اینکه زبان فارسی دارای ترتیب خطی فاعل-مفعول-فعل است و به سمت ترتیب خطی فاعل-فعل-مفعول می‌رود. در این مقاله، ترتیب خطی فاعل-مفعول-فعل را برای جملات زبان فارسی در نظر گرفته‌ایم.

بندهای قیدی بندهای پیروی هستند که برای بند اصلی‌شان به صورت افزوده هستند و معمولاً زمان، مکان، علت، شرط و دیگر ویژگی‌های قیدی رویداد اصلی را بیان می‌کنند. افزوده‌ها برای حضورشان در جمله نیازی به بازبینی مشخصه‌ای^۳ ندارند. در همین راستا، متیسن^۴ و تامپسون^۵ (۱۹۸۸: ۲۸۱-۲۸۰) معتقدند که بندهای قیدی از سازه‌های اصلی بند اصلی به‌شمار نمی‌روند. در اینجا به پیروی از هگمن (۲۰۰۴: ۶۱) بین دو نوع بند قیدی تمایز قائل شده‌ایم: الف) بندهای قیدی مرکزی که گزاره‌ای که با آن در ارتباط هستند را توصیف می‌کنند انواعی دارند که عبارت‌اند از:

(۱) بند شرط

۶- [اگر داریوش به من زنگ می‌زد] باهاش می‌رفتم.

(۲) بند زمان

۷- حسن [قبل از اینکه به من زنگ بزند] به راه افتاد.

(۳) بند هدف

-
1. subject-verb-object (SVO)
 2. complement clause
 3. feature checking
 4. Ch. Matthiessen
 5. S. A. Thompson

۸- آنها [برای اینکه مونا بیاید] مریم را دعوت کردند.

(۴) بند علت

۹- مریم [چون مونا رو دعوت نکرده بودند] به مهمونی نرفت.

و ب) بندهای قیدی حاشیه‌ای، برای گزاره‌ای که در بند اصلی اتفاق می‌افتد پیش‌زمینه گفتمانی فراهم می‌کنند (هگمن، ۲۰۰۴: ۶۱). این بندها دو نوع هستند:

(۱) بند غیرمنتظره^۱

۱۰- مریم به مهمونی رفت [با اینکه دعوت نبود].

(۲) بند تقابلی^۲

۱۱- او هر روز درباره ارزش‌های اخلاقی صحبت می‌کند [درحالی‌که خودش اقدامات

خلاف آن را انجام می‌دهد].

البرزی‌ورکی (۱۳۷۹) معتقد است که بندهای قیدی جایگزین سازه‌ای در بند اصلی می‌شوند که بیانگر زمان، مکان، علت، شرط و دیگر ویژگی‌های قیدی باشد. ممکن است بند وابسته وضعیت و شرایط انجام‌دادن کاری را در بند اصلی بیان کند که عبارت‌اند از: بندهای وابسته زمانی، شرط، علت، نتیجه^۳، ترتیبی^۴، هدف، تضاد^۵ و مقایسه^۶ که نمونه هر یک را در زیر می‌بینید.

۱۲- الف- [چون به خانه رسیدم] باران شروع شد. (بند وابسته زمانی)

ب- [اگر بیایی] کتاب را به تو خواهم داد. (بند وابسته شرط)

پ- [چون کار داشتم] نتوانستم سر ساعت به منزل شما بیایم. (بند وابسته بیان علت)

ت- او انقدر کار می‌کند [تا نفسش بند آید]. (بند وابسته بیان‌کننده نتیجه)

ث- آن را می‌جوشانند [به‌طوری‌که خوب پخته شود]. (بند وابسته ترتیبی)

ج- سوار بشوید [تا بریم]. (بند وابسته بیان‌کننده هدف)

چ- [با وجود اینکه کار داشتم] آمدم. (بند وابسته بیان‌کننده تضاد)

-
1. concessive clause
 2. contrastive clause
 3. final clause
 4. consecutive/consequence clause
 5. concession clause
 6. comparison clause

ح- [همان طوری که گفتم] پیش دوستم می‌روید. (بند وابسته مقایسه)

(البرزی‌ورکی، ۱۳۷۹: ۲۲۷)

در بین این دو تقسیم‌بندی که از بندها ارائه شد، بند علت، بند شرط، بند هدف و بند زمان در هر دو مشترک بودند. بند تضاد در فهرست البرزی‌ورکی همان بند غیرمنتظره در فهرست هگمن است. این معادل برای آن انتخاب شده است که تضاد را نشان نمی‌دهد، بلکه مطلبی که در بند پیرو گفته می‌شود باعث غافلگیری می‌شود. بندهای نتیجه‌ای در این تقسیم‌بندی بندهایی هستند که متمم واژه آن قدر معادل *too* در زبان انگلیسی هستند مانند جمله (۱۳).

(13) He was too tired to go out.

به نظر نمی‌رسد جمله (۱۳) و جمله (۱۲) دارای بند اصلی باشند و در واقع، متفاوت از تمام تقسیم‌بندی‌هایی هستند که در بخش انواع جمله و بندها مطرح کردیم. این دو جمله انگاری که از دو جمله وابسته یا پیرو تشکیل شده‌اند چراکه جمله با هر کدام از این بندها به تنهایی ناقص است؛ بنابراین، از فهرست انواع بندهای قیدی حذفشان می‌کنیم و این نوع بند را به پژوهش آتی می‌سپاریم.

بند ترتیبی و بند هدف در واقع به لحاظ معنایی بسیار به هم نزدیک هستند و هر دو بیشتر با پیوندنمای *تا* به کار می‌روند. برای مثال، جمله (۱۲) را می‌توان با پیوندنمای *تا* به کار برد و همان معنای هدف را به دست آورد. بندهای هدف همیشه به لحاظ زمان ترتیبی هستند، بنابراین ضرورتی نیست که این دو را دو دسته جدا در نظر بگیریم.

۱۴- آن را می‌جوشانند [تا خوب پخته شود].

بندهای مقایسه‌ای این فهرست را نیز به عنوان بند قیدی نمی‌پذیریم زیرا با توجه به مثالی که زده شده است، فعل گفتن همیشه بعد از خود یک بند می‌خواهد که این بند متممی است و نه بند قیدی. راسخ‌مهند و سلیمیان (۱۳۹۴) نیز بندهای قیدی را به بندهای قیدی زمان، قیدی شرط، قیدی حالت، قیدی منظوری^۱، قیدی سببی^۲ و قیدی نتیجه‌ای^۳ تقسیم می‌کنند. بند حالت و بند نتیجه‌ای به دلایل مشابه از نظر نگارندگان جزو بندهای قیدی به شمار نمی‌روند. بنابراین در این پژوهش، فهرست بندهای قیدی هگمن (۲۰۰۴) را به کار می‌بندیم. بنابراین، ۶

-
1. purpose
 2. causal
 3. result

نوع بند قیدی را نام می‌بریم: بند علت، بند شرط، بند زمان، بند هدف، بند غیرمنتظره و بند تقابلی. از بین این ۶ نوع بند، فقط به ۴ نوع اول می‌پردازیم زیرا هدف اصلی این مقاله بررسی بندهای مرکزی است.

۳- بحث و بررسی ترتیب خطی بندهای قیدی در زبان فارسی

در بخش ۳ گفتیم که بندهای پیرو می‌توانند براساس جایگاهشان نسبت به بند اصلی نیز تقسیم‌بندی شوند: بندهای قیدی آغازی، بندهای قیدی پایانی و بندهای قیدی میانی. در این مقاله از پرداختن به بندهای میانی خودداری می‌کنیم زیرا دارای تحلیل نحوی متفاوتی هستند و بحث در مورد آن از حوصله این مقاله خارج است. در این بخش، توالی بندهای قیدی زمان، شرط، هدف و علت را نسبت به بند اصلی در نظر می‌گیریم. در نظر داشته باشید که تمامی بندهای قیدی در مثال‌های ارائه‌شده باید تنها بند اصلی را توصیف کنند و نه بند کناری خود را. ابتدا بندهای قیدی را قبل از بند اصلی قرار می‌دهیم.

۳-۱- ترتیب بندهای قیدی قبل از بند اصلی

در هر زیربخش، توالی بندها را دوبه‌دو در نظر می‌گیریم تا در نهایت به توالی کل بندهای قیدی مرکزی قبل از بند اصلی دست یابیم. در این بخش، برچسب گروه‌های قیدی مطابق آن برچسب‌هایی است که والمالا (۲۰۱۱) به کار برده است.^۱

۳-۱-۱- ترتیب بند زمان و بند شرط

۱۵-الف)؟ [CondP اگر سمیه خسته نباشد] [TimeP وقتی از سرکار آمد] [باهش حرف می‌زنم].

ب)؟ [TimeP وقتی سمیه از سرکار آمد] [CondP اگر خسته نباشد] [باهش حرف می‌زنم].

1. Causal Clause > Reason Phrase & Conditional Clause > Cond Phrase
Temporal Clause > Time Phrase & Purpose Clause > Purpose Phrase

۱۶-الف) ؟ [CondP اگر این دعوای مسخره رو تمام نکنی] [TimeP قبل از اینکه مهمان‌ها بیایند] [می‌گذارم می‌روم].

ب) ؟ [TimeP قبل از اینکه مهمان‌ها بیایند] [CondP اگر این دعوای مسخره را تمام نکنی] [می‌گذارم می‌روم].

۱۷-الف) ؟ [CondP اگر یوونتوس خوب تمرین کرده بود] [TimeP وقتی وارد لیگ می‌شد] [می‌توانست قهرمان بشود].

ب) ؟ [TimeP وقتی یوونتوس وارد لیگ می‌شد] [CondP اگر خوب تمرین کرده بود] [می‌توانست قهرمان بشود].

بند زمان و بند شرط هر دو تمایل دارند که به بند اصلی نزدیک باشند. در نظر گرفتن هر کدام از این جمله‌ها به صورت بی‌نشان کمی عجیب است. بنابراین ترتیبی را بین این دو بند نسبت به بند اصلی نمی‌توان در نظر گرفت و توالی این دو بند به صورت زیر است.

❖ توالی ۱: بند زمان / بند شرط - بند اصلی

۲-۱-۳- ترتیب بند زمان و بند علت

۱۸-الف) ؟ [TimeP وقتی سمیه از سرکار می‌آید] [ReasonP چون حال و حوصله ندارد] [این موضوع را مطرح نمی‌کنم].

ب) [ReasonP چون سمیه حال و حوصله ندارد] [TimeP وقتی از سرکار می‌آید] [این موضوع را مطرح نمی‌کنم].

۱۹-الف) ؟ [TimeP قبل از اینکه آن هندوانه را توی یخچال بگذاری] [ReasonP چون دست صد نفر بهش خورده] [با ریکا رویش را بشور].

ب) [ReasonP چون دست صد نفر به آن هندوانه خورده] [TimeP قبل از اینکه آن را توی یخچال بگذاری] [با ریکا رویش را بشور].

۲۰-الف) ؟ [TimeP وقتی یکشنبه تعطیل شد] [ReasonP چون تعطیلات این ماه کم بود] [بچه‌ها کلاس‌های شنبه را هم نیامدند].

ب) [ReasonP چون تعطیلات این ماه کم بود] [TimeP وقتی یکشنبه تعطیل شد] [بچه‌ها کلاس‌های شنبه را هم نیامدند].

همان‌طور که گفتیم، بهتر است بند زمان همیشه کنار بند اصلی قرار بگیرد و از این‌رو، بند علت قبل از آن قرار می‌گیرد. در اینجا با بیان علت زمینه را برای زمان رویداد فراهم می‌کنیم.

❖ توالی ۲: بند علت - بند زمان - بند اصلی

۳-۱-۳- ترتیب بند زمان و بند هدف

۲۱-الف)؟ [TimeP] وقتی سمیه آمد [PurposeP] برای اینکه سوءتفاهم پیش نیاید [

]این موضوع را مطرح می‌کنم].

ب) [PurposeP] برای اینکه سوءتفاهم پیش نیاید [TimeP] وقتی سمیه آمد [این

موضوع را مطرح می‌کنم].

۲۲-الف)؟ [TimeP] هر وقت رضا زنگ می‌زند [PurposeP] برای اینکه حساب کار

بیاد دستش [گوشی را بر نمی‌دارم].

ب) [PurposeP] برای اینکه رضا حساب کار بیاد دستش [TimeP] هر وقت زنگ

می‌زند [گوشی را بر نمی‌دارم].

۲۳-الف)؟ [TimeP] قبل از اینکه پدرم خونه بیاید [PurposeP] برای اینکه نفهمد

سیگار کشیدم [کلی عطر زدم].

ب) [PurposeP] برای اینکه پدرم نفهمد سیگار کشیدم [TimeP] قبل از اینکه خونه

بیاید [کلی عطر زدم].

در این بخش نیز می‌بینیم که بند زمان در کنار بند اصلی قرار گرفته است و قبل از آن بند

هدف واقع شده است. توالی ۳ را به دست می‌دهیم.

❖ توالی ۳: بند هدف - بند زمان - بند اصلی

۳-۱-۴- ترتیب بند شرط و بند علت

۲۴-الف)؟ [CondP] اگر مادرم امشب از کیش برسد [ReasonP] چون توقع ندارد

خونه را اینطوری ببیند [یک چیزی بهم می‌گوید].

ب) [ReasonP] چون مادرم توقع ندارد خونه را اینطوری ببیند [CondP] اگر امشب

از کیش برسد [یک چیزی بهم می‌گوید].

۲۵-الف) ؟ [CondP] اگر دیر به آقای سعیدی زنگ بزنی [ReasonP] چون وقت اداری گذشته [باید برایش پیغام بگذاری].

ب) [ReasonP] چون وقت اداری گذشته [CondP] اگر دیر به آقای سعیدی زنگ بزنی [باید برایش پیغام بگذاری].

۲۶-الف) ؟ [CondP] اگر به سارا پیشنهاد ازدواج بدهم [ReasonP] چون مامان و باباش با ازدواج ما مخالفند [ممکن است پیشنهادم رو قبول نکنند].

ب) [ReasonP] چون مامان و بابای سارا با ازدواج ما مخالفند [CondP] اگر به سارا پیشنهاد ازدواج بدهم [ممکن است پیشنهادم رو قبول نکنند].

بند شرط، همانند بند زمان، در کنار بند اصلی قرار می‌گیرد پس در نتیجه بند علت دورتر از بند اصلی در نظر گرفته می‌شود.

❖ توالی ۴: بند علت - بند شرط - بند اصلی

۵-۱-۳- ترتیب بند شرط و بند هدف

۲۷-الف) ؟ [CondP] اگر بدانم سعید می‌آید [PurposeP] برای اینکه بهش احترام بگذارم [لباس مشکی بپوشم].

ب) [PurposeP] برای اینکه به سعید احترام بگذارم [CondP] اگر بدانم می‌آید [لباس مشکی بپوشم].

۲۸-الف) ؟ [CondP] اگر پدرم پول می‌داد [PurposeP] برای اینکه برای عروسی شاهین لباس بخرم [به سعید رو نمی‌انداختم].

ب) [PurposeP] برای اینکه برای عروسی شاهین لباس بخرم [CondP] اگر پدرم پول می‌داد [به سعید رو نمی‌انداختم].

۲۹-الف) ؟ [CondP] اگر خبری ازش نشد [PurposeP] برای اینکه خیال خودشونم راحت بشود می‌روند [یه سروگوشی آب می‌دهند].

ب) [PurposeP] برای اینکه خیال خودشونم راحت بشود [CondP] اگر خبری ازش نشد می‌روند [یه سروگوشی آب می‌دهند].

بند شرط تمایل دارد که در کنار بند اصلی واقع شود و به همین دلیل بند هدف قبل از بند شرط قرار گرفته است تا فاصله بند شرط و اصلی حفظ شود. در نظر داشته باشیم اگر خواهیم به جای پیوندنمای «برای اینکه» از «تا» استفاده کنیم، کلاً جمله‌های (ب) غیرطبیعی می‌شوند.

❖ توالی ۵: بند هدف - بند شرط - بند اصلی

۶-۱-۳- ترتیب بند علت و بند هدف

۳۰-الف) [ReasonP] چون کنکور ریاضی و فیزیک خیلی سخت بود [PurposeP] برای اینکه بتوانم وارد مقطع لیسانس بشوم [فقط کنکور زبان شرکت کردم].

ب) [PurposeP] برای اینکه بتوانم وارد مقطع لیسانس بشوم [ReasonP] چون کنکور ریاضی و فیزیک خیلی سخت بود [فقط کنکور زبان شرکت کردم].

۳۱-الف) [ReasonP] چون همه بچه‌های مدرسه دارند برای کنکور آماده می‌شوند [PurposeP] برای اینکه بتوانند بیشتر درس بخوانند [مدیر مدرسه امتحان‌ها را کنسل کرده است].

ب) [PurposeP]* برای اینکه بچه‌های مدرسه بتوانند بیشتر درس بخوانند [ReasonP] چون دارند برای کنکور آماده می‌شوند [مدیر مدرسه امتحان‌ها را کنسل کرده است].

۳۲-الف) [ReasonP] چون همه پرونده‌های مهاجرتی آمریکا متوقف شده [PurposeP] برای اینکه/تا از ورود تروریست‌ها به خاک آمریکا جلوگیری شود [دیگر ویزای جدید صادر نمی‌شود].

ب) [PurposeP] برای اینکه/تا از ورود تروریست‌ها به خاک آمریکا جلوگیری شود [ReasonP] چون همه پرونده‌های مهاجرتی آمریکا متوقف شده [دیگر ویزای جدید صادر نمی‌شود].

به نظر می‌رسد که بندهای هدف تمایل دارند قبل از بند علت قرار گیرند و بنابراین به توالی (۶) می‌رسیم.

توالی ۶: بند علت - بند هدف - بند اصلی

آنچه را که می‌توان از این بخش و درواقع توالی ۱ تا ۶ نتیجه گرفت، این است که بندها به ترتیب زیر قبل از بند اصلی قرار می‌گیرند:

توالی اصلی ۱: بند علت < بند هدف < بند زمان / بند شرط < بند اصلی

نگارندگان براساس شم زبانی خود، نمونه‌هایی را مطابق ترتیب به‌دست‌آمده ارائه کردند چراکه این جملات به‌هیچ‌وجه در متون یافت نمی‌شوند و کنش زبانی معمولاً پنج بند را در یک جمله تولید نمی‌کند اما توانش زبانی این امکان را دارد. ترتیب‌های مختلفی از جمله (۳۵) ارائه شده است. این جمله‌ها یک‌بار با بند زمان و یک‌بار با بند شرط بررسی می‌شوند.

۳۳. [ReasonP] چون یوونتوس لیاقتش را دارد [PurposeP] برای اینکه یوونتوسی‌ها خوشحال بشوند [TimeP] وقتی وارد لیگ می‌شود / [CondP] اگر خوب تمرین کند [می‌تواند قهرمان بشود]

۳۴. [ReasonP] چون خیلی زحمت کشیدم [PurposeP] برای اینکه پی‌اچ‌دی‌ام را بگیرم [TimeP] وقتی تابستان برگردم / [CondP] اگر خدا بخواهد [از رساله‌ام دفاع می‌کنم].

۳۵-الف. [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [TimeP] اوقتی برم و المارت / [CondP] اگر قیمت مناسب پیدا کنم [یک نویش را می‌خرم].

ب. * [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [TimeP] اوقتی بروم و المارت / [CondP] اگر قیمت مناسب پیدا کنم [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [یک نویش را می‌خرم].

پ. * [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [TimeP] اوقتی بروم و المارت / [CondP] اگر قیمت مناسب پیدا کنم [یک نویش را می‌خرم].

ت. * [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [TimeP] اوقتی بروم و المارت / [CondP] اگر قیمت مناسب پیدا کنم [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [یک نویش را می‌خرم].

ث. * [TimeP] [وقتی بروم والمارت] / [CondP] [اگر قیمت مناسب پیدا کنم] [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [یک نویس را می‌خرم].

ج. * [TimeP] [وقتی بروم والمارت] / [CondP] [اگر قیمت مناسب پیدا کنم] [PurposeP] برای اینکه بتوانم فوتبال را ببینم [ReasonP] چون تلویزیونمان سوخت [یک نویس را می‌خرم].

۲-۳- ترتیب بندهای قیدی بعد از بند اصلی

بندهایی که در بخش قبل، بررسی شد همه قبل از بند اصلی قرار داشتند؛ حال یک‌بار هم باید ترتیب بندهای قیدی مرکزی را بعد از بند اصلی در نظر بگیریم.

۱-۲-۳- ترتیب بند زمان و بند شرط

۳۶-الف)؟ [ماشین را همین‌جا پارک کن] [CondP] [اگر جا پارک گیر نمی‌آید] [TimeP] وقتی می‌دانی امروز قرار است شلوغ بشود].

ب)؟ [ماشین را همین‌جا پارک کن] [TimeP] وقتی می‌دانی امروز قرار است شلوغ بشود] [CondP] [اگر جا پارک گیر نمی‌آید].

۳۷-الف)؟ [می‌روم می‌بینمش] [CondP] [اگر امشب بروم مسجد] [TimeP] وقتی انقدر اصرار می‌کند که مریض احوال است].

ب)؟ [می‌روم می‌بینمش] [TimeP] وقتی انقدر اصرار می‌کند که مریض احوال است] [CondP] [اگر امشب بروم مسجد].

۳۸-الف)؟ [پدر مریم برایش یک بنز می‌خرد] [CondP] [اگر دانشگاه قبول بشود] [TimeP] وقتی جواب کنکور بیاید].

ب)؟ [پدر مریم برایش یک بنز می‌خرد] [TimeP] وقتی جواب کنکور بیاید] [CondP] [اگر دانشگاه قبول بشود].

کلاً این دو بند هردو نیاز دارند که کنار بند اصلی قرار بگیرند، بنابراین به نظر می‌رسد هردوی این جمله‌ها کمی غیرطبیعی باشند. توالی (۷) نشان می‌دهد که این دو بند تمایل دارند که به بند اصلی نزدیک باشند.

❖ توالی ۷: بند اصلی - بند شرط/ بند زمان

۲-۲-۳- ترتیب بند زمان و بند علت

۳۹-الف) [از محل دور شد] [TimeP وقتی خبرنگارا با سرعت به سمتش دویدند]

[ReasonP چون دیگه تبدیل به چهره معروفی شده بود].

ب) * [از محل دور شد] [ReasonP چون دیگه تبدیل به چهره معروفی شده بود]

[TimeP وقتی خبرنگارا با سرعت به سمتش دویدند].

۴۰-الف) [به سرعت تصمیم خودم را گرفتم] [TimeP زمانی که فهمیدم این سفر

ممکن است آینده من را تغییر بدهد] [ReasonP چون مطمئن بودم ایران ماندن هیچ

آینده‌ای برایم ندارد].

ب) * [به سرعت تصمیم خودم را گرفتم] [ReasonP چون مطمئن بودم ایران ماندن

هیچ آینده‌ای برایم ندارد] [TimeP زمانی که فهمیدم این سفر ممکن است آینده من

را تغییر بدهد].

۴۱-الف) [مادربزرگم از آلمان برگشت] [TimeP وقتی من ۴ سالم بود] [ReasonP

چون پدر و مادرم را در زلزله از دست داده بودم].

ب) ؟ [مادربزرگم از آلمان برگشت] [ReasonP چون پدر و مادرم را در زلزله از دست

داده بودم] [TimeP وقتی من ۴ سالم بود].

مطمئناً بند زمان در کنار بند اصلی قرار می‌گیرد چون همان‌طور که گفتیم، دو بند زمان و

شرط تمایل دارند کنار بند اصلی باشند بنابراین بند علت در آخر جمله قرار می‌گیرد.

❖ توالی ۸: بند اصلی - بند زمان - بند علت

۳-۲-۳- ترتیب بند زمان و بند هدف

۴۲-الف) [با همکاری بچه‌ها خانه را جمع‌وجور کردم] [TimeP زمانی که از آمدن

مادرم خبردار شدم] [PurposeP تا یک وقت مامان با آن وضع خانه را نبیند].

ب)؟ [با همکاری بچه‌ها خانه را جمع‌وجور کردم] [PurposeP] تا یک وقت مامان با آن وضع خانه را نبیند [TimeP] زمانی که از آمدن مادرم خبردار شدم].

۴۳-الف) [باید او را راضی می‌کردم] [TimeP] وقتی دیدم انقدر به آینده دلسرد شده است [PurposeP] تا بتوانم روحیه‌اش را برای سال‌های آینده حفظ کنم].

ب)؟ [باید او را راضی می‌کردم] [PurposeP] تا بتوانم روحیه‌اش را برای سال‌های آینده حفظ کنم] [TimeP] وقتی دیدم انقدر به آینده دلسرد شده است].

۴۴-الف) [مردان افغانی در سوریه ماندند] [TimeP] بعد از اینکه جنگ تمام شد [PurposeP] تا دولت از خانواده‌هایشان حمایت کند].

ب)؟ [مردان افغانی در سوریه ماندند] [PurposeP] تا دولت از خانواده‌هایشان حمایت کند [TimeP] بعد از اینکه جنگ تمام شد].

در مورد این بندها نیز می‌بینیم که بند زمان گرایش دارد که کنار بند اصلی قرار گیرد بنابراین بند زمان قبل از بند هدف واقع می‌شود که به توالی (۹) دست یافتیم.

❖ توالی ۹: بند اصلی - بند زمان - بند هدف

۴-۳-۳- ترتیب بند شرط و علت

۴۵-الف) [باید با تاکسی بروم] [CondP] اگر بخواهم زودتر به ایستگاه برسم] [ReasonP] چون قطار آخر تا چند دقیقه دیگر ایستگاه را ترک می‌کند].

ب) * [باید با تاکسی بروم] [ReasonP] چون قطار آخر تا چند دقیقه دیگر ایستگاه را ترک می‌کند] [CondP] اگر بخواهم زودتر به ایستگاه برسم].

۴۶-الف) [باید سیگار را ترک می‌کرد] [CondP] اگر می‌خواست ریه‌هایش را از دست ندهد] [ReasonP] چون بیماری‌اش خیلی پیشرفت کرده بود].

ب) * [باید سیگار را ترک می‌کرد] [ReasonP] چون بیماری‌اش خیلی پیشرفت کرده بود] [CondP] اگر می‌خواست ریه‌هایش را از دست ندهد].

۴۷-الف) [فردا بهش زنگ می‌زنم] [CondP] اگر ببینم بهش برخورده] [ReasonP] چون نمی‌خواهم به‌خاطر این مسائل پیش‌پافتاده شکرآب بشود].

ب)؟ [فردا بهش زنگ می‌زنم] [ReasonP] چون نمی‌خواهم به‌خاطر این مسائل پیش‌پافتاده میانمان شکرآب بشود] [CondP] اگر ببینم بهش برخورده].

بند شرط همیشه کنار بند اصلی است و بندهای دیگر و در اینجا بند علت بعد از آن قرار گرفته است.

❖ توالی ۱۰: بند اصلی - بند شرط - بند علت

۵-۳-۳- ترتیب بند شرط و بند هدف

۴۸-الف) [باهش تا آنجا می‌آیم] [CondP اگر هوا تاریک بشود] [PurposeP تا یک وقت نترسد].

ب)؟ [باهش تا آنجا می‌آیم] [PurposeP تا یک وقت نترسد] [CondP اگر هوا تاریک بشود].

۴۹-الف) [من هر کاری از دستم بر بیاید می‌کنم] [CondP اگر ببینم اینجا کسی را ندارد] [PurposeP تا نگوید ایرانی‌ها بی‌معرفتند].

ب)؟ [من هر کاری از دستم بر بیاید می‌کنم] [PurposeP تا نگوید ایرانی‌ها بی‌معرفتند] [CondP اگر ببینم اینجا کسی را ندارد].

۵۰-الف) [می‌روم یک نوبت را می‌خرم] [CondP اگر بخواد اینطوری اذیتم کند] [PurposeP تا انقدر برای هر چیز پیش‌پاافتاده‌ای خرج تعمیر و تعویض نکنم].

ب)؟ [می‌روم یک نوبت را می‌خرم] [PurposeP تا انقدر برای هر چیز پیش‌پاافتاده‌ای خرج تعمیر و تعویض نکنم] [CondP اگر بخواد اینطوری اذیتم کند].

در اینجا نیز بند شرط همیشه کنار بند اصلی است و بند هدف بعد از آن قرار گرفته است.

❖ توالی ۱۱: بند اصلی - بند شرط - بند هدف

۶-۳-۳- ترتیب بند علت و بند هدف

۵۱-الف) [فقط کنکور زبان شرکت کردم] [PurposeP برای اینکه بتوانم وارد مقطع لیسانس بشوم] [ReasonP چون کنکور ریاضی و فیزیک خیلی سخت بود].

ب)؟ [فقط کنکور زبان شرکت کردم] [ReasonP چون کنکور ریاضی و فیزیک خیلی سخت بود] [PurposeP برای اینکه بتوانم وارد مقطع لیسانس بشوم].

۵۲-الف) [مردم شهرستان‌ها به پایتخت می‌آیند] [PurposeP تا محصولات خود را بفروشند] [ReasonP چون در تهران جمعیت و به طبع مشتری‌ها بیشتر هستند].

(ب) * [مردم شهرستان‌ها به پایتخت می‌آیند] ReasonP] چون در تهران جمعیت و به طبع مشتری‌ها بیشتر هستند] PurposeP] تا محصولات خود را بفروشند].
۵۳-الف) [دیگر ویزای جدید صادر نمی‌شود] PurposeP] برای اینکه از ورود تروریست‌ها به خاک آمریکا جلوگیری شود] ReasonP] چون همه پرونده‌های مهاجرتی آمریکا متوقف شده است].

(ب) * [دیگر ویزای جدید صادر نمی‌شود] ReasonP] چون همه پرونده‌های مهاجرتی آمریکا متوقف شده است] PurposeP] برای اینکه از ورود تروریست‌ها به خاک آمریکا جلوگیری شود].

زمانی که دو بند هدف و علت بعد از بند اصلی قرار می‌گیرند، ترتیب به‌گونه‌ای است که ابتدا هدف از بند اصلی مطرح می‌شود و بعد علت آن یعنی آنچه که در توالی ۱۲ مطرح شده است.

❖ توالی ۱۲: بند اصلی - بند هدف - بند علت

از این بخش و از توالی ۷ تا ۱۲ به نتیجه زیر رسیدیم که بیانگر ترتیب بندهای قیدی مرکزی بعد از بند اصلی است. همان‌طور که می‌بینید، بندهای زمان و شرط هم‌زمان در جمله قرار نمی‌گیرند چراکه هر دو برای بودن در کنار بند اصلی رقابت می‌کنند.

توالی اصلی ۲: بند اصلی < بند زمان / بند شرط < بند هدف < بند علت

در بخش قبل نیز توضیح دادیم که کنش زبانی معمولاً این پنج بند را کنار هم در یک جمله نمی‌آورد؛ اما توانش زبانی این امکان را دارد و بر همین اساس، یک جمله ساختگی تولید کردیم که فقط نشان دهیم که در صورت وقوع هر ۵ بند در یک جمله ترتیب به چه صورت خواهد بود. ترتیب‌های دیگری از مثال (۵۶) ارائه دادیم که یک بار با حضور بند زمان و یک بار با حضور بند شرط بررسی شوند.

۵۴- [پدرم باید برای رفتنم بیشتر اصرار می‌کرد] CondP] اگر صلاحم را می‌خواست] / [TimeP] زمانی که گرین کارت برنده شده بودم] PurposeP] تا خودم را نجات دهم] ReasonP] چون آن روزها شرایط اقتصادی خیلی بد بود]]].

- ۵۵- [او از کشورش دفاع کرد] [CondP اگر جنگ می‌شد] / [TimeP وقتی جنگ شد] [PurposeP تا ما راحت‌تر زندگی کنیم] [ReasonP چون جان دادن برای وطنش یکی از آرزوهایش بود].
- ۵۶- الف [یک حساب بانک مسکن باز کن] [CondP اگر هنوز پولی برات مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تموم شد] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب تو بانک مسکنه]]]]].
- ب. * [یک حساب بانک مسکن باز کن] [CondP اگر هنوز پولی برایت مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تمام شد] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری].
- پ. * [یک حساب بانک مسکن باز کن] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است] [CondP اگر هنوز پولی برایت مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تمام شد] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری].
- ت. * [یک حساب بانک مسکن باز کن] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری] [CondP اگر هنوز پولی برایت مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تمام شد].
- ث. * [یک حساب بانک مسکن باز کن] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری] [CondP اگر هنوز پولی برایت مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تمام شد] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است].
- ج. * [یک حساب بانک مسکن باز کن] [PurposeP تا بتوانی وام بگیری] [ReasonP چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است] [CondP اگر هنوز پولی برایت مانده بود] / [TimeP بعد از اینکه درست تمام شد].
- بندهای شرط و بندهای زمان هر دو تمایل دارند که کنار بند اصلی قرار بگیرند بنابراین ساختن مثالی که هردوی این بندها را بعد از بند اصلی نشان بدهد سخت است. در بخش بعد به ترتیب بی‌نشان این بندها نسبت به بند اصلی می‌پردازیم.

۴- جایگاه بی‌نشان بندهای قیدی

همان‌طور که در بخش قبل دیدیم، ترتیب بندها قبل و بعد از بند اصلی به‌صورت زیر است.

۵۷-الف) توالی اصلی ۱: بند علت < بند هدف < بند زمان / بند شرط < بند

اصلی

ب) توالی اصلی ۲: بند اصلی < بند زمان / بند شرط < بند هدف < بند علت

نکته دیگری که مطرح است این است که توالی این بندها به‌صورت بی‌نشان به چه صورت است؟ والمالا (۲۰۱۱) به بررسی ترتیب بندهای قیدی مرکزی نسبت به یکدیگر می‌پردازد و ترتیب درستی را به‌صورت زیر به‌دست می‌دهد.

58. I will hide the Wii [before the children arrive] [if it is too late] [so that they don't get distracted] [because they have a lot of homework to do].

(والمالا ۲۰۱۱: ۹۶۶)

او با بررسی‌های نحوی و استدلال‌هایی که به‌کار می‌گیرد، به جایگاه بندهای قیدی می‌پردازد و معتقد است که بندهای قیدی آغازی در مشخص‌گر گروه مبتدا یا گروه کانون قرار می‌گیرند اما در تعیین ترتیب بندهایی که در انتهای جمله اصلی قرار می‌گیرند نتیجه می‌گیرد که با توجه به بحث‌های مقیدشدن^۱ و رابطه سطرهای^۲ بین انواع بندهای قیدی در جهت نموداری گام برداریم که بند علت بیرونی‌ترین بند، بند شرط و بند هدف در جایگاه میانی و بند زمان تحت تسلط بلافصل^۳ گروه فعلی باشند. سه بند قیدی شرط، هدف و زمان پایین‌تر از جایگاهی قرار می‌گیرند که موضوع‌ها برای بازبینی حالتشان به آنجا جابه‌جا می‌شوند تا در مرحله‌ای از اشتقاق^۴ توسط مفعول‌ها مقید شوند. بند علت بالاتر از مفعول‌ها ادغام^۵ می‌شود تا توسط آنها مقید نشود. ترتیب درست آن است که به‌صورت زیر ادغام شوند اما حرکت دنباله‌دار^۶ باعث می‌شود که با حرکت گروه فعلی ترتیبشان برعکس شود.

59. E.Cause > E.Condition/E.Purpose > E.Time

-
1. binding
 2. scope relation
 3. immediately dominating
 4. derivation
 5. merge
 6. pied-pipping operation

دیسل (۲۰۰۱) تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ترتیب قرارگرفتن بند قیدی و بند اصلی انجام داده و نتایج وی براساس بررسی نمونه‌هایی از چهل زبان مختلف حاصل شده که زبان فارسی نیز جزو آنها بوده است. درنهایت، دیسل و هترل^۱ (۲۰۱۱) زبان فارسی را زبانی فعل‌پایان درنظر می‌گیرند که جایگاه بند علت و بند شرط و بند زمان آن به‌گونه‌ای است که هم بعد از بند اصلی قرار می‌گیرند و هم قبل از بند اصلی. دیسل (۲۰۱۳) به نقل از چیف (۱۹۸۴) و فورد (۱۹۹۳) می‌نویسد بندهای قیدی که قبل از بند اصلی می‌آیند، نقش ترتیبی^۲ چشمگیری در ساماندهی اطلاعات در گفتمان دارند؛ به این معنا که برای بندهایی که بعدشان قرار می‌گیرند زمینه را فراهم می‌کنند و بلافاصله درون جمله قرار می‌گیرند. بندهای قیدی که بعد از بند اصلی هستند، به ساختار قبل از خود که بندی کامل است افزوده می‌شوند. دیسل (۲۰۱۳) همچنین پیوستاری از تمایل اصلی زبان‌ها در تعیین جایگاه بندهای قیدی نسبت به بند اصلی ارائه می‌دهد که به شرح زیر است:

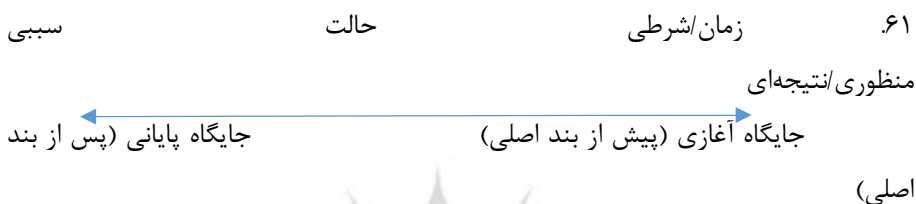


جایگاه آغازی^۳ (پیش از بند اصلی) جایگاه پایانی^۴ (پس از بند اصلی)
 (دیسل (۲۰۱۳): ۳۴۹)

باتوجه به این پیوستار، می‌بینیم که بندهای شرط و زمان تمایل دارند که قبل از بند اصلی قرار گیرند و بندهای علت و هدف معمولاً در پایان جملات پیچیده قرار می‌گیرند. بندهای زمان و علت هم که در وسط پیوستار هستند، یک الگوی بینابینی دارند که می‌توانند هم بعد و هم قبل از بند اصلی قرار گیرند. در زبان فارسی، پژوهش‌های زیادی روی تعداد و ترتیب بندهای پیرو، به‌خصوص بندهای قیدی صورت نگرفته است. آقای (۲۰۰۶) و محمودی (۱۳۹۴) تنها به مطالعه بندهای موصولی و بندهای متممی پرداخته و بنابراین فقط درباره توالی این دو بند نظر می‌دهند. راسخ مهند و سلیمیان (۱۳۹۴: ۱۸۳) به توالی بندهای قیدی برطبق پیکره‌ای با

1. K. Hetterle
 2. organizing function
 3. preposed
 4. postposed

۱۳۴۳ بند قیدی در ارتباط با عواملی مانند معنا، کلام، وزن و تصویرگویی می‌پردازند. دو جایگاه آغازی و پایانی^۱ را برای بندهای قیدی در نظر می‌گیرند و در نهایت نتیجه می‌گیرند که گرایش بندهای قیدی به قرار گرفتن در جایگاه آغازی است. و نمودار زیر را به پیروی از دیسل (۲۰۰۵) برای توالی بندهای قیدی در زبان فارسی ارائه می‌دهند:



سلسله مراتب توالی بندهای قیدی در زبان فارسی (راسخ مهند و سلیمیان ۱۳۹۴:۱۸۵)

یافته‌های دیسل نشان می‌دهد که در این پیوستار هرچه به سمت راست حرکت کنیم، گرایش بندها به قرار گرفتن در جایگاه آغازی و هرچه به سمت چپ حرکت کنیم گرایش بندها به جایگاه پایانی است. راسخ‌مهند و سلیمیان (۱۳۹۴) براساس دو پیکره گفتاری (شامل برنامه‌های تلویزیونی و مصاحبه‌ها) و پیکره نوشتاری (از پایگاه داده‌های زبان فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) ۱۳۴۳ جمله مرکب یا به زبان مقاله حاضر جمله پیچیده گردآوری کرده‌اند که از میان آنها، ۱۳۳ مورد بند حالت و ۲۰۸ بند نتیجه‌ای را کم می‌کنیم، چراکه در فهرست بندهای قیدی مرکزی نیستند. ۱۰۰۲ جمله آن شامل ۴ نوع بند قیدی مورد بررسی مقاله ماست. با استناد به یافته‌های راسخ‌مهند و سلیمیان (۱۳۹۴)، از بین آنها ۲۸۳ تا از بندهای شرطی هستند که تعداد ۲۷۳ از بندهای آغازی بودند که این تمایل بندهای شرطی را به آغازی بودن نشان می‌دهد، همان‌طور که همیشه توقع داریم جواب شرط پس از خود شرط قرار گیرد و بند شرط آغازی برای تعبیر بند بعدی واقع می‌شود. از ۳۴۲ بند قیدی زمان ۳۳۶ بند قبل از بند اصلی قرار داشتند که این امر باز تمایل بند زمان را

به آغازی بودن نشان می‌دهد. از ۱۷۸ بند منظوری یا همان بند هدف، ۱۷۳ بند بعد از بند اصلی قرار داشتند که این بند را در فهرست بندهای قیدی پایانی قرار می‌دهد و انگیزه بندهای اصلی به حساب می‌آیند. از ۱۹۹ بند سببی یا علت، ۱۴۶ بند بعد از بند اصلی بودند که با ترتیبی که به لحاظ مفهومی و تصویرگونگی انتظار می‌رود که علت قبل از معلول قرار گیرد، مغایرت دارد. بندهای پایانی یادآورنده هستند و به بند اصلی اطلاعات جدید می‌افزایند.

به نظر می‌رسد که تمایل بندهای شرط و زمان به این است که در آغاز قرار گیرند و تمایل بندهای علت و هدف در پایان و همچنین تمایل قرار گرفتن این بندها دقیقاً با ترتیبی که برای بندها قبل و بعد از بند اصلی در بخش ۵ در نظر گرفتیم مطابقت دارد. هر دو بند زمان و شرط، وقتی قبل از بند اصلی بودند، تمایل داشتند به بند اصلی نزدیک باشند و بندهای علت و هدف هم به ترتیب هدف و بعد علت بعد از بند اصلی قرار داشتند. در نتیجه، پیوستار زیر را می‌توان نتیجه گرفت که نمونه‌های آن را در (۶۳) و (۶۴) آورده‌ایم:



سلسله مراتب توالی بندهای قیدی مرکزی در زبان فارسی

۶۳- [TimeP] بعد از اینکه درست تموم شد] / [CondP] اگر هنوز پولی برایت مانده

بود] [یک حساب بانک مسکن باز کن] [PurposeP] تا بتوانی وام بگیری]

[ReasonP] چون وام مسکن مستلزم داشتن حساب در بانک مسکن است].

۶۴- [TimeP] زمانی که گرین کارت آمریکا را برنده شده بودم] / [CondP] اگر درآمد

بدی داشتم] [پدرم برای رفتنم خیلی اصرار می‌کرد] [PurposeP] تا خودم را نجات

دهم] [ReasonP] چون شرایط اقتصادی ایران خیلی بد بود].

پیدا کردن جملاتی نظیر جملات بالا بسیار سخت است و نگارندگان بخشی از پیکره پایگاه داده‌های زبان فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را بررسی کرده‌اند و نتوانسته‌اند جمله‌هایی مشابه جمله‌هایی که در بخش ۵ مقاله ارائه شد پیدا کنند. تنها با

جملاتی برخوردار کردیم که علاوه بر بندهای مورد نظر، بندهای پیرو موصولی و متممی نیز بین بندها فاصله ایجاد می‌کرد و در بیشتر موارد هر بندی درون بند دیگری قرار می‌گرفت و به‌ندرت بندی بند اصلی جمله را توصیف می‌کرد.

۶۵- [بارها و بارها مسئولان تأکید کرده‌اند [CP که [CondP] اگر داوطلبی بتواند به نیمی از سؤالات تمامی دروس عمومی و اختصاصی پاسخ صحیح دهد] با توجه به سطح نمرات فعلی، حتماً و یقیناً در یکی از دانشگاه‌های دولتی روزانه پذیرفته خواهد شد]]]
[که توجه به این مطلب می‌تواند دغدغه را از وجود داوطلبانی که [RelP] سعی کرده‌اند]، تا حد کافی بزداید]. (روزنامه ایران سه شنبه ۸۰/۴/۱۲)

[Main clause [CP[CondP]]][Main clause [RelP]]

۶۶- بهمین علت است [CP که می‌بینیم [TimeP] همین که این زبان به‌جای پهلوی ساسانی (پارسی میانه) به‌عنوان زبان رسمی مسلمانان انتخاب گردید]، در زمان‌های بسیار نزدیک به یکدیگر در سیستان، شهرهای خراسان، گرگان، قومس، سمرقند، بخارا و دیگر بلاد ماوراءالنهر کسانی پیدا شدند [RelP] که به یک زبان و لهجه شعر ساختند [ContraP] بی‌آنکه از یکدیگر فراگرفته یا تقلید کرده باشند]]. (تاریخ ادبیات ایران ۲)

[Main clause [CP[TimeP][RelP]][ContraP]]

۶۷- در پستوی تاریک اتاقم هر گوشه را واری کردم [PurposeP] تا شاید بتوانم چیزی باب دندان او پیدا کنم]، [ConcessP] اگرچه می‌دانستم] [CP که در خانه چیزی به هم نمی‌رسد] [ReasonP] چون نه تریاک برایم مانده بود و نه مشروب]. (بوف کور)

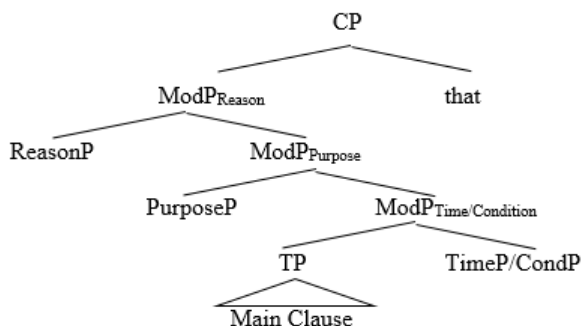
[Main clause] [PurpusP] [ConcessP[CP]][ReasonP]]

۵- جایگاه بندهای قیدی مرکزی در نمودارهای درختی در نظریه کمینه‌گرایی

از بین سه توالی مطرح‌شده، توالی اصلی سه، توالی بی‌نشان است و دو توالی دیگر در صورت قرارگرفتن تمام بندها قبل یا بعد از بند اصلی شکل می‌گیرند. در این مقاله، تنها به جایگاه بندهای قیدی مرکزی در حالت بی‌نشان می‌پردازیم. برای نشان‌دادن هر کدام از بندهای قیدی،

گروه وصفی هدف قرار گرفته است که نشان‌دهنده ترتیب قرار گرفتن این دو بند نسبت به یکدیگر و بند اصلی است.

69. TimP/CondP Main Clause PurposeP ReasonP



نمودار ۱- اشتقاق نحوی بندهای قیدی در حالت بی‌نشان

در نمودار ۱، حضور متمم‌نمای *that* در مشخص‌گر گروه متمم‌نما نشان می‌دهد که کل جمله پیچیده می‌تواند متمم بند دیگری باشد، مانند (۷۰).

۷۰- من می‌دانم که [TimeP] زمانی که گرین کارت آمریکا را برنده شده بودم / [CondP] اگر درآمد بدی داشتم] [پدرم برای رفتنم خیلی اصرار می‌کرد] [PurposeP] تا خودم را نجات دهم] [ReasonP] چون شرایط اقتصادی ایران خیلی بد بود].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۶- نتیجه‌گیری

با ارائه چندین مثال به بحث و بررسی ترتیب بندهای قیدی پرداختیم و سپس توالی این بندها را به دست آوردیم و با دو الگو مواجه شدیم که عبارت‌اند از توالی این بندها قبل از بند اصلی و توالی این بندها بعد از بند اصلی. دریافتیم که در جملات پیچیده، ترتیب بندهایی که قبل از بند اصلی قرار می‌گیرند به ترتیب عبارت‌اند از: بند علت، بند هدف، بند زمان/ بند شرط؛ اما ترتیب بندهایی که بعد از بند اصلی قرار دارند، به ترتیب بند زمان/ شرط، بند هدف و بند علت است که بند زمان و شرط هردو تمایل دارند که کنار بند اصلی باشند. براساس آماری که از پایگاه داده‌های پژوهشگاه علوم انسانی به دست آوردیم و همچنین با استناد به نتایج و آماری که

راسخ‌مهند و سلیمیان (۱۳۹۴) از ترتیب بندهای قیدی به‌دست آورده بودند، درنهایت ترتیب بی‌نشان این بود که بند زمان و شرط گرایش داشتند که قبل از بند اصلی قرار بگیرند، درحالی‌که گرایش اصلی بند هدف، و پس از آن، بند علت این بود که بعد از بند اصلی بیایند. درنهایت، به ترتیب بند شرط/بند زمان، بند اصلی، بند هدف و بند علت رسیدیم. نمونه‌هایی که برای این ترتیب‌ها ارائه شد همگی ساختگی هستند چراکه این جملات به‌هیچ‌وجه در متون یافت نمی‌شوند و کنش زبانی معمولاً پنج بند را در یک جمله تولید نمی‌کند اما توانش زبانی این امکان را دارد. در پایان، جایگاه بی‌نشان بندهای قیدی مرکزی مورد بررسی قرار گرفت که برای نشان‌دادن آنها نقشه‌نگاری گروه‌های وصفی را به‌کار بستیم و از فرافکن‌های نقشی در حاشیه‌چپ استفاده کردیم.

منابع

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۷۹). ساخت جمله ناهم‌پایه در زبان فارسی. رساله دکتری، دانشگاه تهران. ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی امروز. تهران: قطره.
- البرزی‌ورکی، پرویز (۱۳۷۹). «بند وابسته قیدی یا موصولی، حرف ربط مرکب یا مجموعه‌ای مرکب از گروه اسمی و حرف ربط». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، س ۴۴، ش ۱۵۶، ۲۴۳-۲۲۹.
- پاک‌نهاد، محمد (۱۳۹۲). «الگوی نحوی ساخت بند موصولی در مثنوی». *ویژه‌نامه فرهنگستان*، س ۱۳، ش ۹، ۱۱-۲.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- درزی، علی و مزدک انوشه (۱۳۸۹). «حرکت فعل اصلی در فارسی رویکردی کمینه‌گرا». *فصلنامه زبان پژوهی*، س ۲، ش ۳، ۵۵-۲۱.
- راسخ‌مهند، محمد، و رقیه سلیمیان (۱۳۹۴). «توالی بندهای قیدی در زبان فارسی». *ادب پژوهی*، س ۹، ش ۳۲، ۱۹۲-۱۷۳.
- راسخ‌مهند، محمد، مجتبی‌علیزاده صحرايي، راحله ایزدی‌فر، و مریم قیاسوند (۱۳۹۱). «تبیین خروج بند موصولی در زبان فارسی». *مجله پژوهش‌های زبانی*، س ۴، ش ۶، ۴۰-۲۱.
- شفایی، احمد (۱۳۶۲). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: نوین.

غفاری، مهران، شهین نعمت‌زاده، بلقیس روشن و مریم‌السادات غیاثیان (۱۳۹۲). «سطوح پیچیدگی بندهای موصولی مفعول-مفعول و نهاد-مفعول در کودکان فارسی‌زبان سه تا شش ساله». دو فصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. س ۵، ش ۹۰۱، ۱۱۹-۱۴۳.

غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.

کبیری، رویا (۱۳۹۲). بررسی نحوی بند شرطی و «گر» در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

محمودی، سلماز (۱۳۹۴). «بررسی بندهای موصولی در زبان فارسی: فرایند حرکت بند». جستارهای زبانی. س ۶، ش ۳، پ ۲۴۰-۲۴۱.

معین‌زاده، احمد (۱۳۸۴). «زبان فارسی به‌مثابه زبانی هسته‌آغازین». مجله زبان و زبان‌شناسی. س ۱، ش ۲، ۱۳۵-۱۲۹.

نادری، محبوبه (۱۳۹۲). بررسی نحوی بند علت و «چرا» در زبان فارسی. پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تهران.

نادری، محبوبه و علی درزی (۱۳۹۳). «جایگاه ساختاری «چرا» در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. س ۶، ش ۱۱، ۸۹-۱۰۵.

Adger, D. (2004). *Core Syntax: A Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press.

Aghaei, B. (2006). *The Syntax of Ke-clause and Clausal extraposition in Modern Persian* (Ph.D. Dissertation). University of Texas: Austin.

Baltin, M. (2006). "Extraposition". *The Blackwell companion to syntax*. M. Everaert, & H. van Riemsdijk (Eds.), Vols. I-V, Oxford: Blackwell 237-272.

Bhatt, R., & R. Pancheva (2006). "Conditionals". *The Blackwell Companion to Syntax*. M. Everaert, & H. van Riemsdijk (Eds.), Vol. 1, Oxford: Blackwell, 638-687.

- Bayer, J. (2001). "Asymmetry in Emphatic Topicalization". *Audiatur Vox Sapientiae. Studia Grammatica* 52: C. Féry, & W. Sternefeld (Eds.), 15-47.
- Borgonovo, C. & V. Valmala (2009). *The Syntax of Spanish Comparative Correlatives*. Universite Laval and University of Basque Country.
- Chafe, W. L. (1984). "How people use adverbial clauses". *Berkeley Linguistics society*, 10, 437-449.
- Cinque, G. (1999) *Adverbs and functional heads*. Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1986). "Conditionals: A typology". *On conditionals*. E. C. Traugott, A. ter Meulen, J. S. Reilly, & C. A. Ferguson (Eds.), Cambridge: Cambridge University Press, 77-102.
- Cristofaro, S. (2003). *Subordination strategies: A typological study*. Oxford: Oxford University Press.
- Darzi, A. (1996). *Word order, NP movement, and opacity conditions in Persian* (Ph.D dissertation). University of Illinois, Urbana-Champaign.
- Demirezen, M. (2015). "Determining the intonation contours of compound-complex sentences uttered by Turkish prospective teachers of English". *Social and Behavioral Sciences*. 186, 274-282.
- Diessel, H. (2001). "The ordering distribution of main and adverbial clauses: A typological study". *Language*. 77, 343-365.
- Diessel, H. (2005). "Competing motivations for ordering of main and adverbial clauses". *Linguistics*. 43, 449-470.
- Diessel, H. (2013). "Adverbial subordination". *Bloomsbury companion to syntax*. S. Luraghi & C. Parodi (Eds.), London: Continuum, 341-354.
- Diessel, H., & K. Hetterle (2011). "Causal clauses: A cross-linguistic investigation of their structure, meaning, the use". *Linguistic Universals and Language Variation*. P. Siemund (Ed.), Berlin: Mouton de Gruyter, 21-52.
- Fiorentino, G. (2008). "The ordering of adverbial and main clause in spoken and written Italian: A corpus-based approach". *Cognitive Corpus Linguistics Studies*. B. Lewandowski & K. Dziwirek (Eds.), Main: Peter Lang, 207-222.

- Ford, C. E. (1993). *Grammar in interaction: Adverbial clauses in American English conversations*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fox, D., & J. Nissenbaum (1999). "Extraposition and scope: A case for overt QR". *Proceeding of the Eighteenth West Coast Conference on Formal Linguistics*. S. Bird, A. Carnie, J. D. Haugen, & P. Norquest (Eds.), Somerville: Cascadilla Press, 132-144.
- Givon, T. (2001). *Syntax: An introduction* (Vol.2). Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Green, G. M. (1976). "Main clause phenomena in subordinate clauses". *Language*. 52, 382-397.
- Greenberg, J. H. (1963). "Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements". *Universals of Languages*. J. H. Greenberg (Ed.), Cambridge: MIT Press, 73-113.
- Haegeman, L. (2004). "The syntax of adverbial clause and its consequences for topicalisation". *Antwerp Papers in Linguistics*. 107(Current Studies in Comparative Romance Linguistics), M. Coene, G. de Cuyper, & Y. d'Hulst (eds.), 61-90.
- Haegeman, L. (2007). *The Syntax of Adverbial Clauses*. Manuscript, Université Charles de Gualle.
- Haspelmath, M. (2007). "Coordination". *Language typology and syntactic description*. Vol. II: Complex constructions. 2nd edition, T. Shopen (Ed.), Cambridge: Cambridge University Press, 1-51.
- Hornstein, N., J. Nunes, & K. K. Grohmann (2005). *Understanding Minimalism*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Iatridou, S. (1991). *Topics in conditionals* (Doctoral Dissertation). MIT, Cambridge.
- Johnson, K. (1991). "Object position". *Natural Legal Language Processing*. 9(4): 577-636.
- Kahnemuyipour, A. (2001). "On wh-Questions in Persian". *Canadian Journal of Linguistics*. 46(1-2), 41-62.
- Karimi, S. (1989). *Aspects of Persian syntax, specificity, and the theory of grammar* (Doctoral Dissertation). University of Washington, Washington.
- Karimi, S. (2001). "Persian complex DPs: How mysterious are they?". *Canadian Journal of Linguistics*. 46, 63-96.

- Karimi, S. (2005). *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*. New York & The Hague: Mouton.
- Klimova, B. F. (2014). "Syntactic-Semantic Classification of Sentences". *Social and Behavioral Sciences*. 122, 428-432
- Kroeger, R. P. (2005). *Analyzing grammar: An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Marashi, M. (1970). *The Persian Verb: A Partial Description for Pedagogical Purposes* (Doctoral dissertation). University of Texas: Austin.
- Matthiessen, Ch., & S. A. Thompson (1988). "The structure of discourse and 'subordination'". *Clause combinig in grammer and discourse*. J. Haiman & S. A. Thompson (Eds.), Amsterdam: John Benjamins, 275-329.
- Rizzi, L. (1997). "The fine structure of the left periphery". *Elements of grammar*. L. Haegeman (Ed.), Dordrecht: Kluwer, 281-337.
- Shlonsky, U., & G. Soare (2011). "Where's Why?". *Linguistic Inquiry*. 42(4), 651-669.
- Tabaian, H. (1974). *Conjunction, relativization, and complementation in Persian* (Doctoral dissertation). Northwestern University, Evanston.
- Valmala, V. (2011). *On the position of central adverbial clauses*. Universidad del País Vasco/Euskal Herriko Unibertsitatea.
- Velupillai, V. (2013). *An Introduction to Linguistic Typology*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.